

## بررسی وضعیت ظرفیت‌سازی اجتماعی در محلات شهری و رابطه آن با مشارکت در بازآفرینی بافت‌های فرسوده (نمونه موردی: محله فهادان یزد)

نجما اسمعیل‌پور\* ، وحید محمودی\*\* ، فاطمه اسمعیل‌پور\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۰

### چکیده

بخش زیادی از فضای شهری در کشورمان، دچار فرسودگی و افت شدید کالبدی، اقتصادی و اجتماعی شده، که بازآفرینی شهری با تکیه بر مشارکت اجتماعی از راهکارهای رفع این مسئله است و از راهکارهای ارتقای مشارکت نیز ظرفیت‌سازی در محلات شهری است. در پژوهش توصیفی حاضر، از تحلیل‌های توصیفی و آزمون  $T$  تک نمونه‌ای برای سنجش میزان مطلوبیت متغیرهای «ظرفیت اجتماعی»، «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» و «کنش مشارکت اجتماعی شهروندان» و از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره برای تعیین میزان و شدت رابطه میان متغیرها استفاده شد. بر مبنای یافته‌ها: از بین مؤلفه‌های «ظرفیت‌سازی اجتماعی»، تنها مؤلفه‌های مشارکت‌پذیری و تعهد اجتماعی در سطح مطلوب و سایر مؤلفه‌ها در وضعیت نسبتاً نامطلوب و نامطلوب و تمام مؤلفه‌های «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» نیز در وضعیت بسیار نامطلوب هستند. شرایط متغیر «مشارکت شهروندان» در بازآفرینی شهری نیز نسبتاً نامطلوب است. سطح تمایل به مشارکت به ترتیب شامل مشارکت فکری، مالی، اجرایی و سپس مشارکت نیروی انسانی است. متغیر «مشارکت شهروندان» در بازآفرینی از همبستگی مطلوبی با متغیر «ظرفیت اجتماعی» و «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» برخوردار است. همچنین، نقش مؤلفه شبکه‌سازی سازمانی در ارتقای ظرفیت اجتماعی محله فهادان بسیار برجسته است. بنابراین، تقویت فرآیندهای ظرفیت‌سازی می‌تواند تقویت مشارکت شهروندان در بازآفرینی محله را به همراه داشته باشد. در پایان، مدل رگرسیونی رابطه میان استراتژی‌های ظرفیت‌سازی و ظرفیت اجتماعی در محله فهادان در فرآیند بازآفرینی تدوین و معرفی شد.

**واژه‌های کلیدی:** ظرفیت‌سازی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، بازآفرینی، محله فهادان شهر یزد

\* استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد، ایران (نویسنده مسئول). najmaesmailpoor@yazd.ac.ir

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد، ایران. vahid.mahmoodi70@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یزد، ایران. fatemahesmaeilpoor@yahoo.com

## ۱- مقدمه

امروزه، اغلب مراکز تاریخی شهرها در کشورهای غربی با وجود محدودیت‌های بسیار سکونتی، دارای منزلت اجتماعی مناسب و ساکنانی مرفه هستند. وجود ارزش‌های فراوان تاریخی و فرهنگی و تصویر ذهنی مثبت از بافت‌های تاریخی، عده زیادی از مردم را به زندگی در این محدوده‌ها با تمام دشواری‌هایش متقاعد ساخته است. هرچند بخش زیادی از شهرهای کشور ایران را نیز بافت‌های فرسوده تاریخی تشکیل می‌دهد، اما سیر برون‌رفت جمعیت از آنها، این نواحی را هر چه بیشتر در چرخه فرسودگی و ناپایداری پیش می‌برد و استعدادهای نهفته کالبدی و انسانی آنها کمتر مجالی برای بروز می‌یابند. تا چند دهه پیش در اغلب شهرها، محله‌ها از اعتبار و جایگاه ویژه‌ای در نظام روابط و تعاملات اجتماعی برخوردار بودند و ساکنان با تکیه بر ظرفیت‌های اجتماعی، نیازهای خود را در محله تأمین می‌کردند. پس از یک دوره عدم موفقیت در برنامه‌های بهسازی و نوسازی محلات تاریخی، امروزه برنامه‌ریزان شهری دریافته‌اند که باید به جای نگاه تک بعدی و بهبود وضعیت کالبدی، با رویکردی جامع، بهبود کیفیت زندگی در تمام ابعاد را با تکیه بر ظرفیت‌های اجتماعی محلات و مجتمع‌های زیستی مد نظر قرار دهند.

در بازآفرینی بافت‌های تاریخی فرسوده توجه به نقش مردم (رویکرد مشارکتی) برای پیشبرد اهداف برنامه‌ریزی بسیار مهم است. مشارکت مردمی، مستلزم توجه جدی مدیران و برنامه‌ریزان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های مجتمع‌های زیستی و ترویج نوعی نگرش مشارکتی برای تشویق مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا و تأکید بر اجتماعات محله‌ای به منظور توانمندسازی اهالی و نظارت بر اقدامات توسعه‌ای است (معززی مهرطهران و امینی لاری، ۱۳۸۹: ۷۲) ظرفیت‌سازی اجتماعی یکی از اجزای ضروری در توسعه اجتماعی و عبارت است از: فرآیند حمایت از افراد و نهادهای اجتماعی به منظور کمک به آنها در شناسایی و پاسخگویی بیشتر به نیازهایشان در

واحدهای اجتماعی. این فرآیند شامل ایجاد فرصت‌های آموزشی برای مردم از طریق تجارب و ارتقای آگاهی و اعتماد و توانمندسازی آنها برای مشارکت همه‌جانبه در اجتماع است.

## ۲- بیان مسئله

مهم‌ترین جنبه ثبت بافت تاریخی شهر یزد- بعنوان بزرگ‌ترین بافت خشتی ایران- در فهرست میراث جهانی یونسکو در سال ۱۳۹۶، سکونت مردم و وجود جریان زندگی روزمره و پیوسته در آن بود. لازمه ادامه این روند، خلق وضعیت مناسب زندگی در این بافت است. «بافت تاریخی و قدیم شهر یزد ۳۳۹۵۸ نفر جمعیت دارد، اما، بیش از نیمی از بلوک‌های آماری آن دارای رشد جمعیت منفی، و حدود یک سوم بلوک‌ها دچار مهاجرفرستی هستند» (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). تعداد زیادی از محلات این بافت و منجمله محله فهادان با چالش‌های متعدد از جمله مسکن نامناسب، کاربری‌های ناسازگار، دسترسی نامناسب به امکانات و خدمات، کمبود فضای سبز، زیرساخت‌های نامناسب و... مواجه بوده و نیازمند توجه جدی مدیران و برنامه‌ریزان شهری هستند.

محله فهادان - به عنوان هسته اولیه و تاریخی شهر یزد- بدلیل فرسودگی کالبدی و عدم توجه به نیازها و نظرات ساکنان، همچنین بی‌تفاوتی ساکنان نسبت به محله خود، دچار فرسودگی اجتماعی نیزگردیده و با خروج جمعیت بومی و کاهش نرخ رشد جمعیت خود مواجه است. از سوی دیگر، افرادی با درآمد کمتر و حس تعلق پایین و عدم آشنایی با ارزش‌های محله جایگزین ساکنان بومی شده‌اند. استمرار این امر، توأم با افزایش فضاهای مخروبه و متروکه و کاهش فضاهای عمومی و جمعی فعال و افزایش واحدهای اقتصادی غیرفعال می‌تواند به کاهش یا زوال ظرفیت‌های اجتماعی محله بینجامد و در بستر زمان و در متن فعالیت‌های اجتماعی اثرات سوء خود را بر جای بگذارد. با وجود اهمیت تاریخی این محله، بسترسازی برای مشارکت شهروندان

به کندی صورت گرفته است که می‌تواند موجب کاهش تمایل و آگاهی ساکنان برای مشارکت در اجرای طرح‌های توسعه شود. نهادهای غیردولتی یا مردمی به عنوان حلقه ارتباط مردم با سازمان‌های مدیریتی کمتر در محله شکل گرفته‌اند و این امر می‌تواند دسترسی ساکنان به منابع قدرت و منافع حاصل از آن را در راستای بهبود وضعیت زندگی محله محدود سازد.

از آنجا که توسعه اجتماع محور به مثابه فرآیند و ابزار ارتقای مشارکت مردمی و برقراری حکمروایی خوب بیش از همه از طریق ارتقای ظرفیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماع محلی دست یافتنی است، سؤالات پژوهش حاضر این است: ۱- وضعیت ظرفیت اجتماعی، استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی و تمایل مردم به مشارکت اجتماعی در امر بازآفرینی محله فهادان چگونه است؟ ۲- رابطه میان ظرفیت اجتماعی و مشارکت شهروندان در بازآفرینی محله فهادان چگونه است؟ ۳- چه رابطه‌ای میان ظرفیت‌سازی اجتماعی و مشارکت شهروندان در بازآفرینی محله فهادان وجود دارد؟

### ۳- مبانی نظری

۳-۱- تعریف ظرفیت اجتماعی: مجموعه دارایی‌های فردی، انجمنی و نهادی است که در جوامع وجود دارد. تعامل سرمایه انسانی، منابع سازمانی و سرمایه اجتماعی موجود در یک جامعه خاص که می‌تواند برای حل مسائل جمعی، بهبود یا حفظ سلامت یک جامعه بکار گرفته شود. همچنین، بعنوان توانایی افراد، نهادها و واحدهای سازمانی برای انجام فعالیت‌ها به طور مؤثر، کارآمد و پایدار تعریف می‌شود (Merino & de los Rios Carmendo, 2012: 961).

۳-۲- تعریف و کارکرد ظرفیت‌سازی در محلات شهری: کاربرد این واژه به عنوان مفهوم، ایده و اقدام مربوط به دهه ۱۹۹۰ و اوایل قرن ۲۱ می‌باشد (Craig,

339: 2007) در ارتباط با ارتقاء سلامت، هاو<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۸) عقیده دارند که این مفهوم در اوایل ۱۹۹۰ و در کنفرانس جاکارتا در ارتباط با ارتقاء سلامت جامعه مطرح شده است. ظرفیت‌سازی جامعه محلی به شناسایی ظرفیت‌های اجتماع به منظور مقتدرسازی آن‌ها برای ارتقاء اهداف و نیازهای خودشان گفته می‌شود (Chapman & Kirt, 2001: 15). هرچند، تعریف‌های مختلفی از ظرفیت‌سازی جامعه مطرح شده است، اما، سرمایه اجتماعی یکی از موضوعات مشترک همه آنها است که بسیاری از رویکردها برای ظرفیت‌سازی جامعه از آن استفاده می‌کنند. بنابراین، سرمایه اجتماعی شهرت خود را بعنوان اکسیری برای تلاش‌های جامعه‌محور بدست آورده است (Parks, 2015: 185). ظرفیت‌سازی، فرآیندی است که قدرت و اختیار اجتماعات، توانایی ایجاد ساختارها و شبکه‌ها و مهارت‌های مسئولیت‌پذیری ساکنان را نسبت به آینده‌شان تقویت می‌کند (نژادابراهیمی و نژداعی، ۱۳۹۷: ۱۴۳). در تعریفی دیگر، افزایش توانایی گروه‌های اجتماعی برای تعیین، ارزیابی، تجزیه و تحلیل و عمل در حل مسائل و نگرانی‌های مهم اعضای خود است (Chan; Lam ; Cheng, 2009: 560).

در محلات شهر، ظرفیت‌سازی فرآیند پروراندن گفتگو، برقراری روابط، پذیرش تنوع و برطرف کردن تعارضات با هدف تقویت اعضای جامعه محلی جهت مشارکت برای رسیدن به اهداف خاص خودشان است (رفعیان، خدائی و داداش‌پور، ۱۳۹۳). چاسکین (۲۰۰۱)، از ظرفیت‌سازی اجتماعی برای اشاره به تعاملات سرمایه انسانی، منابع سازمانی و سرمایه اجتماعی موجود در یک جامعه خاص استفاده می‌کند که می‌تواند برای حل مشکلات جمعی، بهبود و حفظ رفاه جامعه مورد استفاده قرار گیرد. این امر ممکن است از طریق فرآیندهای اجتماعی غیررسمی و/ یا تلاش‌های سازمان یافته توسط افراد، سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی که در بین آنها وجود دارد و بین سیستم‌های بزرگتر که جامعه بخشی از آن است، محقق شود (Chaskin, 2001: 292).

چاسکین، ۴ ویژگی ظرفیت‌سازی جامعه را شناسایی کرده که به اهداف مورد نظر در پروژه‌های ایجاد ظرفیت اجتماعی اشاره دارند: «ویژگی اول، گسترش احساس جمعی و به طور خاص ایجاد احساس یکپارچگی و همدلی در میان اعضای جامعه است. این احساس، شامل گسترش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مشترک است. ویژگی دوم؛ لازم است به تعهد ساکنان و سازمان‌های محلی برای برعهده گرفتن مسئولیت آنچه که در جامعه اتفاق می‌افتد، اهمیت داده شود. ویژگی سوم؛ این که ظرفیت جامعه برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نمی‌تواند تحقق یابد، مگر آنکه تعهدات ذینفعان به یک فرآیند عملی برای حل مسئله تبدیل شود. بنابراین، یک محله یا مجتمع زیستی نیازمند توسعه توانایی حل مسئله توسط ذینفعان و بسیج آنها برای حل مشکل است. در نهایت، بهبود دسترسی به انواع مختلف منابع، یکی از ویژگی‌های مهم ظرفیت‌های اجتماعی است (Chaskin, 2001: 294).

ظرفیت‌سازی اجتماعی در سیاست‌های جدید کاری انگلستان، به عنوان راهی برای رفع جدایی‌گزینی اجتماعی، تحریک بازسازی شهری، ایجاد همبستگی و گسترش خدمات با کیفیت مورد استفاده قرار گرفته است (Chapman and Kirk, 2001: 22). اسمیت<sup>۱</sup>، لیتلجون<sup>۲</sup> و تامپسون<sup>۳</sup>، که از نویسندگان و ارتقاء دهندگان کانادایی حوزه سلامت (۲۰۰۱) و از حامیان این دیدگاه هستند، می‌نویسند: «ما اغلب از اهداف توانمندسازی جامعه در مواجهه با فشارهای روزانه در مورد ارائه آموزش و پرورش یا خدمات به افرادی که عادت دارند دولت کارها را انجام دهد، چشم‌پوشی می‌کنیم. ما با این تنش در کار خودمان مبارزه کرده‌ایم... ما به طرفداران رو به رشد که می‌اندیشند ظرفیت ایجاد جامعه آینده ماست، پیوستیم. رویکرد ظرفیت‌سازی دارای ریشه‌های قوی است... و امروز، با وجود تأکید سیاسی بر تمرکززدایی و مسئولیت اجتماعی، این

- 
1. Smith
  2. Littlejohn
  3. Thompson

رویکرد به خوبی تکرار می‌شود» (Verity, 2000: 36). ظرفیت‌سازی فرایندی دائمی، قابل انعطاف، تأثیرپذیر و پاسخگوست که تمام بازیگران عرصه اجتماع را شامل می‌شود و هدف آن، فزونی بخشیدن به دامنه اختیارات، رشد سرمایه اجتماعی، ایجاد محیط‌های توانمندساز، رفع تبعیض اجتماعی و جهت بخشیدن به رفتارهای فردی و اجتماعی است (بدرگر، رحیمی و سلطانی، ۱۳۹۶: ۲۳۶).

لاورک<sup>۱</sup>، در مجموع ۹ کارکرد را برای ظرفیت‌سازی اجتماعی در یک محله شهری شناسایی کرده و معتقد است برای دستیابی به هر کدام استراتژی متفاوتی وجود دارد. این ۹ کارکرد عبارتند از: ۱- ارزیابی مشکلات را افزایش می‌دهد ۲- رهبری محلی را توسعه می‌دهد ۳- ساختار سازمانی توانمندی را ایجاد می‌کند ۴- بسیج منابع را بهبود می‌بخشد ۵- دسترسی و ارتباط به سازمان‌ها و افراد دیگر را تقویت می‌کند ۶- توانایی ذینفعان را برای "پرسیدن چرا" افزایش می‌دهد ۷- کنترل ذینفعان بر مدیریت برنامه را افزایش می‌دهد ۸- رابطه عادلانه‌ای با عوامل خارجی ایجاد می‌کند ۹- مشارکت ذینفعان را بهبود می‌بخشد (Parks, 2015: 185).

**۳-۳- محدودیت‌ها و موانع ظرفیت‌سازی اجتماعی:** محدودیت‌های ظرفیت‌سازی در محلات سستی، با ویژگی‌های ساختاری، نهادی، موقعیتی و فیزیکی زندگی جامعه مرتبط است. این محدودیت‌های ساختاری ضمناً از نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه کل و جامعه جهانی نیز تأثیر می‌پذیرند. بخش‌هایی از این محدودیت‌ها به اوضاع داخلی نظام اجتماعی و بخش‌هایی نیز مربوط به خارج آن است. محدودیت‌های داخلی، مبتنی بر نظام‌های ارزشی زندگی اجتماعی از قبیل وضعیت اقتصادی، نظام قشربندی اجتماعی، مسائل بوم‌شناختی، انسجام اجتماعی و تعارض‌های طبقاتی است. محدودیت‌های خارجی، اغلب مربوط به شرایط سیاسی کلیت جامعه و نظام بین‌الملل هستند. به طور مثال، نوع حمایت کارگزاری‌های

بین‌المللی و قدرت نهادی تجارت خارجی و یا سایر منافع مرتبط با اقتصاد بین‌المللی از زمره محدودیت‌های ساختاری خارجی هستند که به رغم تصورات مربوط به منزوی بودن نسبی اجتماعات سنتی و محلی، از طریق مجاری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر مردم تأثیر می‌گذارند.

- محدودیت‌های نهادی ظرفیت‌سازی، در برگیرنده مسائلی هستند که نهادهای اجتماعی اصلی را متأثر می‌سازند. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان از الگوهای رفتاری، رسوم و سنت‌های اجتماعی، دولت، مذهب، قومیت و بوروکراسی نام برد.

- محدودیت‌های موقعیتی، عموماً در شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص شکل می‌گیرند و مواردی از قبیل منازعات میان نخبگان، تعارض‌های درون جامعه‌ای و بی‌ثباتی‌های ناشی از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی را در بر می‌گیرند.

- بالاخره، محدودیت‌های فیزیکی شامل فقر منابع فیزیکی و امور زیربنایی و ضعف خدمات رسانی و محدودیت‌های بوم‌شناختی است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۸).

- عدم حمایت دولت، پایین بودن سطح دانش و مهارت نیز از موانع ظرفیت‌سازی اجتماعی برشمرده شده است (Farahani, Abdali Barand, Pourbafrani, 2018: 137).

در کشورهای با سطح پایین شهرنشینی، ایجاد دموکراسی و سواد ظرفیت‌سازی دشوارتر است و عواملی چون سطح توسعه اقتصادی، سطح شهرنشینی، سرمایه انسانی، تحصیلات، تنوع قومی، نوع و کیفیت مؤسسات و ترکیب مذهبی بر موفقیت در ظرفیت‌سازی تأثیر گذارند (Parks, 2015: 193).

پس، هر فعالیت یا ابتکار ظرفیت‌سازی اجتماعی در جوامع بومی، باید محدودیت‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی خود را شناسایی و به آنها پاسخ دهد. این محدودیت‌ها می‌تواند شامل: «فقدان مشارکت جامعه سنتی در شکل‌گیری راهبرد و سیاست‌ها؛ وجود تنوع در ساختار سنتی موجود؛ عدم تعادل میان دولت و ساختار سنتی؛ ساختار پیچیده و بخشی سازمان‌ها و نهادها؛ سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت؛



کمبود منابع برای برنامه‌های ظرفیت‌سازی و ظرفیت‌سازی به معنای "پارادایم توزیع خدمات" به جای ارزش‌گذاری بر عوامل اصلی و حقیقی باشد (Verity, 2000: 48).

### ۳-۴- استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی در محلات شهری: فرآیند

ظرفیت‌سازی، نیازمند راهکارهایی است تا بتواند ارتباط مناسبی با جامعه هدف برقرار کند.

**الف: آموزش:** به رغم آنکه، آموزش برای ظرفیت‌سازی اجتماعی بسیار حیاتی

است؛ اما هندرسون و مایو<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) معتقدند: اولویت دادن به آموزش و پرورش در اقدامات بازسازی و بازآفرینی مناطق، اغلب خیلی کم و دیر اتفاق می‌افتد. آن‌ها تأخیر زمانی بین تصمیم‌گیری برای اجرای یک طرح احیا و بازآفرینی و تحقق آموزش و ارتقای مهارت‌های جامعه را بعنوان بخش جدایی‌ناپذیر طرح‌ها برجسته می‌کنند. بعلاوه، با استدلال مطرح می‌کنند که آموزش و توسعه مهارت‌ها باید در ابتدای هر اقدامی صورت گیرد. نقطه شروع برای رفع نیازهای آموزشی مهارت‌های یک جامعه محلی، استفاده از تجزیه و تحلیل نیازهای آموزشی محل است. این فرآیند، ظرفیت‌های موجود در جامعه را در بر می‌گیرد و شکاف در مهارت‌ها و دانش افراد و گروه‌ها را به طور کلی شناسایی می‌کند (Kirt & Chapman, 2001: 35).

در ایران هم یکی از عوامل عدم موفقیت پروژه‌های بازآفرینی شهری، نبود برنامه‌ریزی لازم برای جلب مشارکت هرچه بیشتر ساکنان و آموزش آنها، نقص آموزش در زمینه مرمت شهری، فقدان آموزش به آحاد مردم با هدف انتقال تجربیات و الگوهای مناسب به منظور تغییر نگرش مردم به بافت‌های تاریخی از یکسو و نبود تخصص و آگاهی کافی بواسطه عدم آموزش‌های مناسب مدیران و کارشناسان اجرایی از سوی دیگر است (حناچی، ۱۳۹۱: ۱۵۹). مشارکت شهروندان بعنوان مؤلفه اثربخش در موفقیت پروژه‌های بازآفرینی، بدون ظرفیت‌سازی، نهادسازی و توانمندسازی ساکنان اتفاق نمی‌افتد و این سه مقوله نیازمند آموزش است (نژادابراهیمی و نژداعی، ۱۳۹۷: ۱۴۳).

**ب: حمایت از رهبران جامعه:** حمایت و آموزش دو عنصر بسیار مهم هستند تا به افراد بیشتری کمک کنند تا رهبران جامعه خود شوند. توافق گسترده‌ای بر سر این موضوع وجود دارد که بازآفرینی محلات، بدون درگیری و مشارکت فعال اعضای جامعه نمی‌تواند موفق باشد. از آنجا که رهبران جامعه و سازمان‌های محلی، معمولاً از بودجه، حمایت و آموزش کافی برای ایفای نقش مؤثر برخوردار نیستند، موفقیت بازآفرینی و نوسازی محلات در صورت حمایت و مشارکت مردمی بیشتر خواهد شد. مشارکت، با نقش رهبری متفاوت است. به طور مثال در برنامه مداخله در جزیره کیوهسو<sup>۱</sup> در کشور کوبا (که در زمینه بهداشت بود)، رهبران جامعه به عنوان میانجی دولت و جامعه عمل کرده و زمینه همکاری بیشتر را فراهم کردند. رهبران اجتماع محلی، نقش بسیار مهمی در انتشار اطلاعات و بسیج جامعه ایفا کردند، در نتیجه، این رهبران بودند که فرصت را برای مشارکت جوامع محلی فراهم کردند (Spiegel, Bonet, Garcia, Ibarra, Tate, & Yassi, 2004: 126).

**ج- ایجاد و تقویت انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد:** احساس جمعی را می‌توان با ایجاد انجمنی که بتواند جامعه را برای حل مشکلات محلی دور هم جمع کند، ایجاد کرد. این انجمن، می‌تواند مشارکت ساکنان در زندگی اجتماعی خود را بهبود بخشد. اثبات شده که ظرفیت‌سازی اجتماعی را می‌توان از طریق تقویت سازمان‌ها و مؤسسات شرکت‌کننده در آن ایجاد کرد. بعلاوه، انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد قادر هستند فرصت‌هایی برای رهبران مردمی در راستای ایجاد رابطه با رهبران سازمان‌های رسمی و سازمان‌های قدرتمندتر در جامعه فراهم کنند (Lam, Cheng & Chan, 2009: 58).

از نظر چاسکین، در سطوح بالا با چهار استراتژی کلی می‌توان مبادرت به ظرفیت‌سازی اجتماعی کرد: (۱) توسعه رهبری، (۲) توسعه سازمانی، (۳) سازمان‌های

بررسی وضعیت ظرفیت‌سازی اجتماعی در محلات شهری ... ۱۵۳

اجتماعی و (۴) تقویت روابط همکاری میان سازمان‌ها. اما، در سطح پایین‌تر، فعالیت‌ها و اقدامات زیر می‌تواند ظرفیت‌سازی اجتماعی را تضمین کند:

- آموزش و مشاوره؛

- انتشار اطلاعات در مورد برنامه‌های مدل، داده‌ها در مورد شرایط جامعه و نتایج تحقیقات؛

- توسعه شبکه‌ها و گسترش ائتلاف‌ها، مانند شبکه‌ای، دسترسی به منابع را بهبود

می‌بخشد؛

- تقویت ارتباط بین اعضا جامعه محلی و سیستم‌های بزرگتر؛

- تشویق نوآوری، آزمایش و پخش برنامه‌های موفق؛

- ترویج مشارکت عمومی و مالکیت ابتکارات؛

- تحقیق و ارزیابی (Chung, Lam, Chan, et al, 2009: 566).

اثبات شده که یادگیری و ایجاد ظرفیت آن هم زمانی که جامعه محلی آماده است، می‌تواند مؤثر واقع شود. شرکایی که مایل به شرکت در این مشارکت هستند، باید به این تعامل دست یافته و به نیازها و نگرانی‌های جامعه محلی پاسخ دهند (Mohamad, Kesavan, Razzaq, Hamzah, & Khalifah, 2013: 1849).

**۳-۵- تعریف و مفهوم بازآفرینی شهری:** بازآفرینی، آوردن جان تازه، زندگی و

نشاط درون جامعه بیمار، صنعتی و ایجاد مناطق پایدار و بهبود بلندمدت کیفیت زندگی محلی است (DCMS, 2004: 4). دیدگاه و عمل جامع و یکپارچه با هدف بهبود

دائمی در ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نواحی دچار افت شهری است که منجر به کشف راه‌حلهایی برای مشکلات نواحی فرسوده شهری می‌شود (Roberts, 2000: 17). این حرکت مکان‌ها را دگرگون می‌کند. تصویر اجتماعی از

مکان را تقویت می‌کند و مکان‌های زنده و جذاب را که سرمایه‌گذاری درونی پایدار را تشویق می‌کنند، می‌آفریند. در فرآیند بازآفرینی بافت‌های فرسوده، مشارکت و هماهنگی بین تمام عناصر درگیر شکل گرفته و تغییر و واگذاری قدرت از دولت مرکزی به

دولت محلی به منظور سعی در استفاده از پتانسیل‌های موجود در مناطق فرسوده مورد توجه قرار می‌گیرد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۵۶).

**۳-۶- عوامل مؤثر بر موفقیت بازآفرینی شهری:** در یک پروژه بازآفرینی موفق، تقویت محلات شهری به منظور ارتقاء هویت، همبستگی و احساس پیوند، مشارکت افراد، گسترش بینش‌های اجتماعی مشترک در بین گروه‌های مختلف اجتماعی با گرایش‌های متفاوت برای ایجاد همکاری و هماهنگی بین مردم، اعطای مسئولیت به مردم در خصوص مشارکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مد نظر قرار می‌گیرد (طاهری و شیبانی، ۱۳۹۵ و آریانا، ۱۳۹۱) مهم‌ترین اصول یک برنامه بازآفرینی مؤثر شامل: «داشتن چشم‌انداز راهبردی بلندمدت با تأکید بر پایداری زیست محیطی، تأکید بر ارتقای همه ابعاد یک اجتماع محلی بجای نوسازی کالبدی صرف، انعطاف‌پذیری برنامه‌های اجرایی اولیه همسو با تغییر شرایط اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و مدیریتی؛ قبول منحصر به فرد بودن مکان؛ تأکید بر رویکرد مبتنی بر اجتماع (اجتماع محور) در زمینه رفع فرسودگی شهری؛ مشارکت ذینفعان با تأکید بر نقش جوامع محلی؛ وجود تعامل و مشارکت بیشتر میان بازیگران و دستگاه‌های درگیر؛ تعادل و موازنه میان سرمایه گذاری دولتی، خصوصی و داوطلبانه؛ تلاش برای اطمینان از هم‌رایی از طریق کامل‌ترین مشارکت ممکن و هم‌بخشی تمام ذینفعان دارای منفعت قانونی در بازآفرینی است (آریانا، محمدی و کاظمیان، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

**۳-۷- رابطه بازآفرینی و ظرفیت‌سازی اجتماعی در محلات شهری:** هر چند در معرفی عوامل مؤثر بر ظرفیت‌سازی و بازآفرینی، عوامل مشترکی چون مشارکت، تأکید بر تشکیل انجمن‌ها و جوامع محلی کوچک، پیش‌ساز اجتماعی و آموزش به چشم می‌خورد؛ اما نکته قابل توجه این است که از ظرفیت‌سازی می‌توان به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در بازآفرینی یاد کرد. ظرفیت‌سازی با ایجاد و تقویت مهارت‌ها و توانایی‌های گروه‌های اجتماعی برای تعیین، ارزیابی، تجزیه و تحلیل، سعی در حل

مسائل و نگرانی‌های مهم اعضای جامعه خود دارد. ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی، اصطلاح مورد استفاده برای توصیف فرایندی است که از طریق آن توانایی جامعه تقویت می‌شود تا ساکنان با تکیه بر تعهد و تعلق زیاد، در فرآیند بازآفرینی اجتماعی و اقتصادی نقش فعالی داشته باشند. ظرفیت‌سازی در بازآفرینی به جای تأکید صرف بر پیامد، بر فرآیند تأکید داشته و از بسیج نیروهای محلی به عنوان ابزاری در بازآفرینی و روشی برای دستیابی به پایداری، استفاده می‌کند.

#### ۴- پیشینه پژوهش

عده‌ای از پژوهشگران به ارزیابی موفقیت ظرفیت‌سازی اجتماعی در پروژه‌های بهداشتی و یا کاهش آسیب‌های اجتماعی پرداخته‌اند (Duffy, Prince, Johnson, Jennifer, Hinzey, Alton, Flynn Faye, 2012: 384). چان و همکاران (۲۰۰۹) از نقش ظرفیت‌سازی بعنوان یک استراتژی در پیشگیری از خشونت خانگی در جوامع محلی یاد کرده و تأکید می‌کنند: باید بر توسعه توانایی‌های جامعه و ظرفیت‌سازی برای مبارزه با خشونت‌های خانوادگی تمرکز کرد (Chan, Lam, G. L., & Cheng, 2009: 558).

مورنو و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه دو برنامه ظرفیت‌سازی شهر یوان در چین، به بررسی این‌که چگونه ظرفیت‌ها توسط شخصیت‌های کلیدی در سطح افراد، سازمان‌ها و جامعه درک می‌شود، پرداخته‌اند. باوجود تفاوت‌هایی که در ادارک فرآیند ظرفیت‌سازی وجود دارد، هم پوشانی آشکاری میان ظرفیت‌ها در سطوح مختلف دیده می‌شود و ظرفیت‌ها در سطوح مختلف به صورت تعاملی و متقابل تقویت می‌شوند. در هر دو برنامه توسعه، ذینفعان ظرفیت‌های اجتماعی را به این صورت دسته‌بندی می‌کنند: کیفیت و ویژگی‌ها (اعتماد، حل مسئله، یادگیری قانون و...)، سازماندهی ظرفیت‌ها (برنامه‌ریزی، اجرای پروژه‌ها و فعالیت‌ها، تسهیل‌گری و...)، توسعه و حفاظت از روابط استراتژیک (شبکه‌سازی، ایجاد روابط متعهدگونه، مشارکت بلندمدت و...)، ایجاد

فرهنگ مشارکت‌پذیری (توانایی حل تعارض، تسهیم، ارتباط با دیگران و...) و ایجاد مواد و ابزار ظرفیت‌ها (مهارت‌ها و دانش فنی، خدمات و توسعه اقتصادی و...) (Moreno, Noguchi, & Harder, 2017: 122)

کرمندو<sup>۱</sup> و مورینو<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در مقاله خود ضمن ارائه تعاریف ظرفیت‌سازی اجتماعی، سطوح و بررسی نقش ظرفیت‌سازی در اجرا و حفظ طرح‌های حفاظت از منابع طبیعی، می‌نویسند: ظرفیت‌سازی در طرح‌های عمرانی در دهه‌های گذشته با تغییر تمرکز خود، از ارائه زیرساخت‌های فیزیکی در دهه ۱۹۵۰ به ایجاد نهادها و سازمان‌های محلی روی آورده است. همچنین در دهه ۱۹۷۰، ظرفیت‌سازی بیشتر رویکرد آموزشی، بهداشتی و جمعیتی داشته، تا این که در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، رویکرد خود را از خرد به سطح کلان و سیستمی تغییر داده است (de los Ríos & Merino, 2012: 961).

از نظر نژاد ابراهیمی و نژادگی (۱۳۹۷) در بررسی نقش آموزش در بازآفرینی اجتماع‌محور: اعتماد، درک، مشروعیت و تعهد از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در این فرآیند همکارانه هستند که در نهایت موجب ظرفیت‌سازی نهادی و اثربخشی فرآیند حکمروایی همکارانه در مدیریت مؤثر تعارض بین ذینفعان بازآفرینی در محلات شهری می‌شوند.

رفیعیان و همکاران (۱۳۹۳) به بسط ادبیات نظری اعم از مفهوم، هدف، ریشه‌های نظری، مدل‌های اجرایی، قلمروهای ظرفیت‌سازی اجتماعی پرداخته و مؤلفه‌های آنرا تدوین کردند. از نظر آنها: ظرفیت‌سازی اجتماعی در محلات شهری تأثیر قابل توجهی بر توانمندسازی افراد و گروه‌ها از طریق مشارکت و درگیرکردن ذی‌نفعان به وسیله پذیرش برنامه‌های مشخص، ارتقای مهارت و دانش، افزایش پیوندهای اجتماعی و

---

1. Carmenado  
2. Merino

ارتباطات با استفاده از مباحثه‌ها در سطح محلات و بسیج منابع به منظور رفع نیازهای مجتمع زیستی برجای می‌گذارد.

از عملکرد گروه بنیاد گلیدگ (GFG)<sup>۱</sup> می‌توان بعنوان نمونه عملی تجارب ظرفیت‌سازی اجتماعی در خارج از کشور یاد کرد. این گروه، یک ارگان مردمی است که در سال ۱۹۹۸ در ولز توسط شش زن و در پاسخ به شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته است. شعار گروه "آینده از آن ماست تا خلقش کنیم" است. این گروه، هم اکنون به یک نهاد خلاق در مبارزه با فقر تبدیل شده که تمرکز آن بر توانمندسازی مردم با استفاده از پتانسیل‌هایشان است.

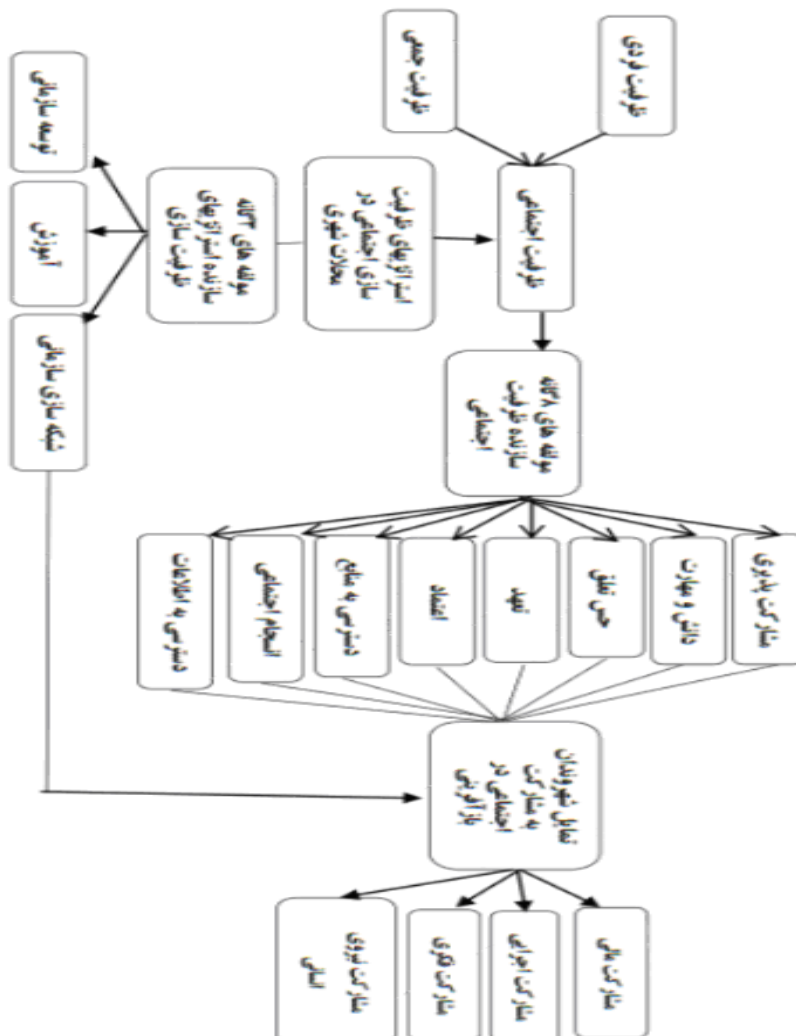
در باب نمونه تجارب داخلی هم می‌توان به خانه کتابدار محله منیریه شهر تهران اشاره کرد که در سال ۱۳۸۳ با هدف ترویج کتابخوانی شروع شد که در حال حاضر علاوه بر این هدف در آموزش و مهارت‌های هنری نیز بسیار موفق بوده است (حکیم، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

##### ۵- مدل مفهومی پژوهش

بنا بر نتایج مطالعات پیشین و مبانی نظری موجود وضعیت ظرفیت اجتماعی، استراتژی‌های ظرفیت‌سازی در محلات شهری با تکیه بر مؤلفه‌های متعدد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. وجود ظرفیت اجتماعی و حاکمیت استراتژی‌های سازنده آن در محلات شهری می‌تواند میزان و شدت تمایل ساکنان را برای مشارکت مردم در حل مسائل و مشکلات محلات افزایش دهد. بر همین مبنا، مدل مفهومی پژوهش بصورت شکل شماره ۱ تنظیم شده و مبنای آزمون‌ها برای پاسخ به سؤالات پژوهش قرار گرفته است.

---

۱- Gellideg Foundation Group گروه بنیاد گلیدگ، یک سازمان اجتماعی ابتکارانه و خلاقیت‌گرا با هدف توانمندسازی مردم در حوزه مسکن اجتماعی و مستغلات در شهر مرتی تیدفیل (Merthyr Tydfil) (شهری در ۳۷ کیلومتری شمال کاردیف-ولز) است.



شکل ۱- مدل تحلیلی پژوهش

در این مدل، ظرفیت اجتماعی و استراتژی‌های ظرفیت‌سازی هر دو بر مشارکت شهروندان در بازآفرینی محله تاثیرگذارند. بعلاوه، وضعیت استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی بر میزان ظرفیت اجتماعی این محله تأثیرگذار است.



## ۶- روش پژوهش

در این پژوهش کاربردی، از روش توصیفی:

- برای بیان وضعیت مطلوبیت «ظرفیت اجتماعی»، «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» و «مشارکت اجتماعی شهروندان» در محله فهادان با استفاده از آزمون T یک‌طرفه؛

- از شیوه همبستگی پیرسون: برای بررسی رابطه میان «ظرفیت اجتماعی» با «مشارکت اجتماعی شهروندان» و نیز بررسی رابطه «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» با «ظرفیت اجتماعی»؛

- و از شیوه رگرسیون گام به گام چندمتغیره: برای بررسی میزان و شدت رابطه میان متغیر «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» و «ظرفیت اجتماعی» با متغیر «مشارکت در فرآیند بازآفرینی» در محله فهادان استفاده شده است.

لازم است ابتدا مؤلفه‌های هر سه متغیر «ظرفیت اجتماعی»، استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی و کنش مشارکتی مردم» تعیین گردد. مرور منابع متعدد حاکی از تعدد و تنوع مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی و راهبردهای ظرفیت‌سازی اجتماعی است که می‌تواند توسط پژوهشگران و برنامه‌ریزان، در پژوهش‌های مختلف - و از جمله پژوهش حاضر- در بررسی‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها پیرامون موضوع به تناسب مورد استفاده قرار گیرد:

از نظر تامپسون (۲۰۰۳)، مؤلفه‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی که برای دستیابی به تغییر سیستماتیک در جوامع محلی مهم هستند عبارت‌اند از: مشارکت و رهبری، منابع اجتماعی، شبکه اجتماعی و قدرت جامعه. به طور خلاصه، این چهار مؤلفه ظرفیت اجتماعی نشان دهنده سرمایه اجتماعی یک محله هستند.

لابونت و لاوراک (۲۰۰۱) نه مؤلفه برای شناسایی ظرفیت اجتماعی جوامع محلی پیشنهاد می‌کنند: مشارکت، رهبری، ساختار سازمانی، ارزیابی مشکلات، توزیع منابع، پرسیدن "چرا"، ارتباط با دیگران، نقش عوامل بیرونی و مدیریت برنامه‌ها. پوپ و همکاران (۲۰۰۰) هفت مؤلفه را شناسایی و معرفی کرده‌اند: مشارکت اجتماعی، ارتباطات، یادگیری مداوم، مهارت و دانش، حس تعلق، منابع و هدف مشترک.

از نظر نژادابراهیمی و نژداغی (۱۳۹۷) مؤلفه‌های ظرفیت‌ساز در فرآیند بازآفرینی شهری اجتماع‌محور عبارتند از: «الف) آموزش به ساکنان پیرامون موضوعات: توانایی تشخیص و تدوین راه‌های حل مسئله، ساختار بوروکراتیک تصمیم‌گیرنده موجود، زمانبندی برای تهیه و اجرای پروژه‌ها، تشخیص و تفکیک مسائل عاجل و بنیادین، برنامه‌ریزی توسعه محله، اولویت‌بندی مسائل و پروژه‌ها، تبیین نقش نهادهای اجتماعی موجود در توسعه محله، تشکیل نهادهای اجتماعی محلی. ب) آموزش به تسهیل‌گران اجتماعی با موضوعات: احصاء نیازهای ساکنان براساس تقاضاهای واقعی و اولویت‌بندی آنها با رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی، شیوه میانجی‌گری، مهارت‌های تسهیل‌گری، روانشناسی اجتماعی و قوانین مربوط به حقوق و تکالیف شهروندی، ج) آموزش به مدیران و کارشناسان شهری با موضوع لزوم جلب مشارکت مردم (نژاد ابراهیمی و نژداغی، ۱۳۹۷: ۱۴۴).

در این پژوهش، از میان مؤلفه‌های متعدد موجود در منابع مختلف در باب متغیر «ظرفیت اجتماعی در محلات شهری»، با توجه به تعدد کاربردها، از ۸ مؤلفه «مشارکت‌پذیری، تعهد، اعتماد، حس تعلق، انسجام اجتماعی، دسترسی به منابع، دانش و مهارت» برای بررسی میزان مطلوبیت متغیر «ظرفیت اجتماعی در محله فهادان» و برای متغیر «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» از سه مؤلفه شامل «آموزش، شبکه‌سازی سازمانی و توسعه سازمانی» استفاده شده است. جدول‌های شماره ۱ و ۲ این مؤلفه‌ها و گویه‌های مربوط به هر مؤلفه را نشان می‌دهند. بعلاوه، با توجه به انواع

«کنش مشارکتی مردم» (شامل مشارکت فکری، اجرایی، مالی و نیروی انسانی) برای این متغیر نیز در هر نوع، گویه‌های مربوط تعریف شده است (جدول شماره ۳).

جدول ۱- مؤلفه‌ها و گویه‌های متغیر «ظرفیت اجتماعی» در محله فهادان

مؤلفه‌ها	نویسنده / سال	گویه
مشارکت‌پذیری	گودمن و همکاران (۱۹۹۸)، عارف و همکاران (۲۰۰۹)	شرکت در فعالیت‌های جمعی محله، مشارکت جدی در طرح‌های توسعه محله، مشارکت در حل مشکلات مردم محله، شرکت در امور خیریه و شرکت در انتخابات مدیریت محله
تعهد	شاسکین (۲۰۰۱)	تعهد در قبال مشکلات محله، پیگیری مشکلات محله، احساس مسئولیت نسبت به رعایت حقوق دیگران، اعتقاد به همکاری مشترک با نهادهای محلی در جهت بهبود اوضاع محله و پایبندی به قول و قرارهای اقدام در بهبود وضعیت محله.
اعتماد	مورنو (۲۰۱۷)، سوسانا مرینو (۲۰۱۲)	اعتماد به مردم محله، آمادگی شراکت با دوستان و آشنایان، اعتماد به مجریان طرح نوسازی محله و اعتقاد به نقش سازمان‌های مردم نهاد در بهبود وضعیت محله
حس تعلق	شاسکین (۲۰۰۱)، ضیایی (۱۳۹۲)	احساس غرور و افتخار میان افراد محله، علاقه مندی مردم محله برای ادامه سکونت، رفتن از محله در صورت امکان و وحدت مردم محلی برای اقدامات عام المنفعه
انسجام اجتماعی	سوسانا مرینو (۲۰۱۲)، حیدری ساریان (۱۳۹۳)	یکدست بودن مردم محله از لحاظ اجتماعی و فرهنگی، میزان درگیری در محله، اختلاف درآمد با سایر اهالی محله و وحدت مردم برای اقدامات عام المنفعه
دسترسی به منابع	شاسکین (۲۰۰۱)، گودمن و همکاران (۱۹۹۸)	دسترسی به منابع اطلاعاتی (اینترنت، کتابخانه و...)، دسترسی به منابع اقتصادی (وام، تسهیلات و...)، دسترسی به منابع قدرت سیاسی (نمایندگان با نفوذ، کانال‌های ارتباطی و...) و دسترسی به منابع اجتماعی (رویدادهای خاص فرهنگی)
دانش و مهارت	مورنو (۲۰۱۷)، گودمن و	داشتن توانایی ارائه مشاوره به مردم و مجریان طرح، داشتن اطلاعات لازم در خصوص مسائل جامعه و شهر و محله، داشتن

تجربه کافی برای کمک به اجرای طرح‌های توسعه محله و توانایی یادگیری و انجام موارد جدید	همکاران حیدری (۱۹۹۸)، ساریان (۱۳۹۳)	
آگاهی ساکنان از قوانین نوسازی، عدم اطلاع رسانی دقیق و مناسب مسئولان از فرآیند و جزئیات طرح‌های بهبود وضعیت محله، میزان اطلاعات در مورد مسائل مربوط به شهر و جامعه و میزان تلاش در جهت ارتقاء دانش و آگاهی در خصوص طرح‌های توسعه محله	قاسمی (۱۳۹۴)	دسترسی به اطلاعات

جدول ۲- مؤلفه‌ها و گویه‌های متغیر «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» در محله فهادان

گویه	نویسنده و سال	استراتژی‌های ظرفیت‌سازی
برگزاری برنامه‌های آموزشی در رابطه با مسائل شهری توسط نهادهای مرتبط، تمایل به شرکت در دوره‌های آموزشی و مطابقت آموزش‌ها با نیازها	چپ‌من و همکاران (۲۰۰۱)، حیدری ساریان (۱۳۹۳)	آموزش
میزان تعامل با شورا و شورا یاری‌ها، تعامل با نهادهای دولتی، میزان حضور در مسجد، میزان ارتباط با بسیج، میزان تعامل یا عضویت در تعاونی، تعامل با مراکز حمایتی و میزان شرکت در صندوق قرض‌الحسنه محله	سوسانا مرینو (۲۰۱۲)، گودمن و همکاران (۱۹۹۸)، چپ‌من و همکاران (۲۰۰۱)	شبکه‌سازی اجتماعی و سازمانی
آگاهی از وجود نهادهای مشاوره‌ای و نهادهای اطلاع‌رسان در محله، رضایت از توان مدیریتی نهادهای محله و بافت تاریخی، میزان هماهنگی میان سازمان‌های محلی در راستای انجام برنامه‌های توسعه محله و توان نهادهای محله در شناسایی به موقع مشکلات شهروندان و محله	شاسکین (۲۰۰۱) چپ‌من و همکاران (۲۰۰۱) حیدری ساریان (۱۳۹۳)	توسعه سازمانی

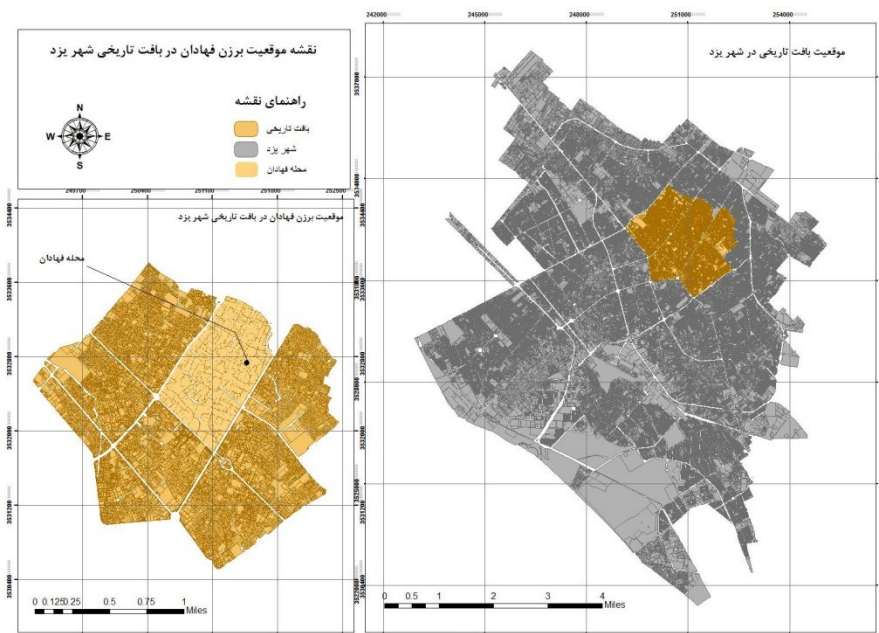
جدول ۳- انواع کنش مشارکتی شهروندان در بازآفرینی محله فهادان و گویه‌های آن

انواع کنش مشارکتی	نویسنده و سال	گویه‌ها
مشارکت فکری	نوابخش (۱۳۹۵)	کمک به تعیین اهداف آینده طرح نوسازی محله، ارائه مشاوره به مدیریت طرح نوسازی منطقه و شرکت در جلسات تصمیم‌گیری سازمان‌های مجری طرح نوسازی
مشارکت اجرایی	نوابخش (۱۳۹۵)	نوسازی ملک خود به صورت فردی، نوسازی ملک خود با همسایگان به صورت مشارکتی و همکاری با مجریان طرح نوسازی در اجرای پروژه‌ها
مشارکت مالی	نوابخش (۱۳۹۵)	نوسازی ملک با هزینه شخصی متناسب با طرح کلی، شراکت در پروژه نوسازی معادل ارزش ریالی ملک و خرید سهام پروژه
مشارکت نیروی انسانی	نوابخش (۱۳۹۵)	مدیریت هماهنگی طرح نوسازی محله، همکاری تخصصی در اجرای طرح و عضویت در هیات نظارت بر اجرای طرح

در ادامه، برای گردآوری داده‌های مربوط به هر سه متغیر، پرسشنامه‌ای سه بخشی با توجه به گویه‌های مندرج در جداول ۱ تا ۳ تنظیم گردید: بخش اول- پرسش‌های ظرفیت اجتماعی محله، بخش دوم- پرسش‌های استراتژی‌های ظرفیت‌سازی و بخش سوم- پرسش‌های کنش مشارکتی در بازآفرینی محله فهادان. مبنای ارزش دهی پاسخ‌های پرسشنامه طیف لیکرت بوده و پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه مقدار ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۷۵۱ بدست آمد. برای آزمون T، همبستگی پیرسون و رگرسیون، داده‌های پرسشنامه‌ها در نرم‌افزار Spss مورد تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه ساکنان و مالکان بافت تاریخی محله فهادان یزد با جمعیت ۵۴۷۳ نفر است و واحد تحلیل و نمونه پژوهش، افراد بالای ۱۸ سال سن انتخاب شده است، که توانایی پاسخگویی به سؤالات را داشته باشند. تعداد نمونه‌ها با بهره‌گیری از فرمول کوکران، ۳۵۸ مورد تعیین شده و روش نمونه‌گیری نیز تصادفی است.

## ۷- معرفی قلمرو پژوهش

محل مورد مطالعه از هسته درونی یا قدیمی‌ترین بخش تاریخی یزد بوده و در بخش شمالی و مرکزی بافت قدیم قرار دارد. وسعت آن معادل ۱۱۳/۶۵ هکتار و بین ۴ خیابان اصلی امام خمینی، قیام، سید گل‌سرخ و فهادان محصور شده است (طرح حفاظت از بافت تاریخی، ۱۳۸۷) (شکل ۲).



شکل ۲- موقعیت بافت تاریخی در شهر یزد و محله فهادان در بافت تاریخی

بر اساس مطالعات مربوط به ثبت جهانی شهر یزد، به میزان ۸۳/۴ درصد ابنیه موجود در محله پایدار یا سالم هستند و مجموعاً ۹/۶ درصد آنها نیازمند یکی از اقدامات بازسازی و نوسازی، مرمت اساسی و یا مرمت و تعمیر جزئی هستند. (جدول شماره ۴)

جدول ۴- وضعیت کیفیت ابنیه در محله فهادان\*

محله	نیازمند بازسازی و نوسازی	نیازمند مرمت اساسی	نیازمند مرمت و تعمیر جزئی	پایدار یا سالم	در حال پایش یا مانیتورینگ
فهادان	۲/۳	۳/۹	۳/۴	۸۳/۴	۷

ماخذ: (ICHHTO, 2016)

\* داده‌های جدول از نقشه کیفیت ابنیه بافت تاریخی یزد در پرونده ثبت جهانی این شهر (۱۳۹۵) توسط نگارندگان استخراج شده است.

## ۸- یافته‌ها

۸-۱- وضعیت ظرفیت اجتماعی و استراتژی‌های ظرفیت‌سازی در محله فهادان: با توجه به ارقام مندرج در جدول شماره ۵، و فرض میانگین قراردادی ۳ بر مبنای طیف ۵ درجه‌ای لیکرت، میانگین پاسخ‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها برای مؤلفه‌های مشارکت‌پذیری، تعهد و اعتماد اجتماعی بالاتر از میانگین قراردادی و در نتیجه در وضعیت مطلوب هستند. اما مؤلفه‌های دسترسی به اطلاعات، دانش و مهارت، اعتماد نهادی، انسجام اجتماعی، حس تعلق، دسترسی به منابع مربوط به متغیر وضعیت «ظرفیت اجتماعی» و کلیه مؤلفه‌های متغیر «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» (شامل آموزش، شبکه‌سازی سازمانی و توسعه سازمانی) پایین‌تر از میانگین نظری و در وضعیت نامطلوب هستند؛ به این ترتیب، می‌توان گفت: بطور کلی محله فهادان از نظر ظرفیت اجتماعی در موقعیت مناسبی قرار ندارد.

جدول ۵- وضعیت مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی و استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی در محله فهادان با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای

وضعیت	آزمون تی استیودنت تک نمونه‌ای				میانگین خطای معیار	انحراف معیار	میانگین	مؤلفه	متغیرها
	سطح اطمینان ٪۹۵	آماره t	سطح معناداری	درجه آزادی					
مطلوب	۰/۲۰۲۶	۰/۰۳۷۴	۲/۵۸۷	۰,۰۰۵	۳۵۸	۰/۰۴۲۰	۰/۷۸۰	۳/۱۲	مشارکت‌پذیری
مطلوب	۰/۴۳۷۱	۰/۲۹۳	۱۰/۲۴۶	۰,۰۰۰	۳۵۸	۰/۳۵۷۹	۰/۶۶۴۷	۳/۳۶۶۷	تعهد
نامطلوب	-۱/۰۶۴۳	-۱/۰۱۴۹۰	-۵۱/۴۲۸	۰,۰۰۰	۳۵۸	۰/۲۱۵۲	۰/۳۹۹۶	۱/۸۹۳	دسترسی به اطلاعات
نامطلوب	-۰/۴۹۱	۵۷۵۴-	-۲۴/۹۴۷	۰,۰۰۰	۳۵۸	۰/۲۱۳۸	۰/۳۹۷۰۹	۲/۴۶۶۷	دانش و مهارت
مطلوب	۰/۴۹۷۱	۰/۳۹۱۷	۱۶/۵۸۹	۰,۰۰۰	۳۵۸	۰/۰۲۶۷۹	۰/۴۹۷۶۳	۳/۴۴۴۴	اعتماد اجتماعی
نامطلوب	-۰/۹۹۲	-۱/۰۷۴	۶۶/۴۹	۰,۰۰۰	۳۵۸	۰/۰۲۰۸	۰/۳۶۸	۱/۹۶۶	اعتماد نهادی
نامطلوب	-۰/۲۴۶۵	-۰/۳۸۶۸	-۸/۸۸۲	۰,۰۰۰		۰/۳۵۶۶	۰/۶۶۲۱۹	۲/۶۸۳۳	انسجام اجتماعی
نامطلوب	-۰/۰۶۸۵	-۰/۲۳۱۵	-۳/۶۲۲	۰,۰۰۰	۳۵۸	۰/۴۱۴۱	۰/۷۶۹۲۳	۲/۸۵۰۰	حس تعلق
نامطلوب	-۱/۴۱۲۳	-۱/۴۸۷	-۷۵/۵۶۴	۰,۰۰۰		۰/۰۱۹۱۹	۰/۳۵۶۴۲	۱/۵۵۰۰	دسترسی به منابع
نامطلوب	-۱/۴۵۲۷	-۱/۶۱۴۳	-۳۷/۲۷۱	۰,۰۰۰	۳۵۸	۰/۰۴۱۱۴	۰/۷۶۴۱۴	۲/۱۵۰۰	آموزش
نامطلوب	-۰/۷۸۵۹	-۰/۹۱۴۱	-۲۶/۰۹۵	۰,۰۰۰	۳۵۸	۰/۰۳۲۵۷	۰/۶۵۰۳	۲/۱۵۰۰	شبکه‌سازی سازمانی
نامطلوب	-۰/۹۸۴۰	-۱/۰۹۶۰	-۳۶/۵۵۸	۰,۰۰۰	۳۵۸	۰/۰۲۸۴۵	۰/۵۲۴۸۰	۱/۹۶۰۰	توسعه سازمانی

ظرفیت اجتماعی

استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی



### ۸-۲- وضعیت مشارکت اجتماعی در بازآفرینی محله فهادان: مشارکت

شهروندان در چهار نوع مشارکت فکری، مشارکت اجرایی، مشارکت مالی و مشارکت نیروی انسانی، توسط ۱۲ گویه مندرج در جدول شماره ۳ مورد سنجش قرار گرفت و سپس میانگین مجموع مقادیر پاسخ‌های مربوط به کنش مشارکت اجتماعی شهروندان از طریق آزمون تی یک‌طرفه و بر مبنای طیف لیکرت در جدول شماره ۶ خلاصه شد. با توجه به ارقام مندرج در این جدول، میانگین انواع کنش مشارکت اجتماعی مردم، معادل ۲/۳۷ است که اختلاف معناداری را با میانگین نظری (عدد ۳) نشان می‌دهد. بعلاوه، سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفای ۰,۰۵ هم توافق معنادار بودن را نشان می‌دهد. با توجه به این موارد و نیز وضعیت حد بالا و پایین در فاصله اطمینان ۹۵٪ می‌توان نتیجه گرفت: وضعیت تمایل به مشارکت شهروندان در بازآفرینی شهری در این محله در وضعیت نسبتاً نامطلوبی قرار دارد و کمتر از حد متوسط نظری است.

جدول ۶- وضعیت تمایل به مشارکت شهروندان در بازآفرینی محله فهادان با استفاده از آزمون تی

تک نمونه‌ای

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آزمون تی استیودنت تک نمونه‌ای					
			خطای معیار	درجه آزادی	سطح معناداری	آماره t	سطح اطمینان ۹۵٪	
							حدپایین	حدبالا
مشارکت اجتماعی	۲/۳۷۲۶	۰/۴۰۴۷۹	۰/۲۱۷۹	۳۵۸	۰,۰۰۰	-۲۸/۷۸۷	-۰/۶۷۰۲	-۰/۵۸۴۵

### ۸-۳- همبستگی ظرفیت اجتماعی و تمایل به مشارکت شهروندان در بازآفرینی

محله فهادان: براساس آماره‌های جدول ۷ بطور کلی میان ظرفیت اجتماعی موجود در محله و تمایل به مشارکت اهالی برای بازآفرینی رابطه همبستگی مثبت وجود دارد. به دیگر سخن با افزایش ظرفیت اجتماعی، مشارکت شهروندان در بازآفرینی این محله هم

افزایش می‌یابد. اما، با نگاهی عمیق‌تر به موضوع می‌توان گفت: این رابطه مثبت که از طریق مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی با کنش مشارکت مورد بررسی قرار گرفته است، در تمام موارد هم اندازه و همسان نیست: چنانکه اولاً؛ بیشترین میزان همبستگی مثبت مربوط به مؤلفه‌های تعهد، دانش و مهارت و مشارکت‌پذیری است. ثانیاً، میان حس تعلق و اعتماد عمومی با متغیر مشارکت شهروندان در بازآفرینی شهری رابطه همبستگی معکوس است. همانطور که پیش‌تر اشاره شد: محله دچار پدیده جایگزینی جمعیت غیربومی است. پس، مشارکت در این محله منوط به بومی بودن نمی‌باشد.

جدول ۷- نتایج همبستگی مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی با مشارکت شهروندان در بازآفرینی محله

فهادان

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	مؤلفه‌ها
۰,۰۰۰	۰/۴۲۵	مشارکت‌پذیری
۰,۰۰۰	- ۰/۳۹۶	حس تعلق
۰,۰۰۰	۰/۲۶۵	انسجام اجتماعی
۰,۰۰۴	۰/۱۵۳	دسترسی به منابع
۰,۰۰۰	۰/۶۱۳	دانش و مهارت
۰,۰۰۰	۰/۶۴۱	تعهد
۰,۰۰۶	۰/۱۴۸	اعتماد نهادی
۰,۰۰۰	-۰/۲۴۲	اعتماد عمومی
۰,۰۱۱	۰/۱۳۶	دسترسی به اطلاعات

۸-۴- رابطه میان استراتژی‌های ظرفیت‌سازی و ظرفیت اجتماعی در محله

فهادان: بر اساس داده‌های جدول ۸، می‌توان گفت: بطور کلی، همراه با حاکمیت و ارتقاء وضعیت استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی در محله، میزان ظرفیت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. نگاه دقیق‌تر به داده‌های جدول ۸، حاکی از این است که در این

رابطه تأثیر مؤلفه شبکه‌سازی سازمانی با ضریب همبستگی پیرسون  $0/649$  و سطح معناداری کمتر از  $0,05$  درصد، بسیار بیشتر از دو مؤلفه توسعه سازمانی و آموزش است. مؤلفه آموزش با ضریب همبستگی پیرسون  $0/147$  و سطح معناداری کمتر از  $0,05$  درصد، کمترین تأثیرگذاری را بر متغیر ظرفیت اجتماعی در محله فهادان دارد. بنابراین، از آنجا که تمام مؤلفه‌های استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری با متغیر ظرفیت اجتماعی دارند، می‌توان گفت: برای افزایش ظرفیت اجتماعی در این محله باید به ترتیب اقدام به ایجاد و گسترش شبکه‌سازی سازمانی، توسعه سازمانی و آموزش کرد. نقش مؤلفه آموزش در این خصوص به مراتب کمتر از دو مؤلفه دیگر است.

جدول ۸- نتایج همبستگی پیرسون میان استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی و ظرفیت اجتماعی در محله فهادان

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	مؤلفه‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی
۰,۰۰۰	۰/۴۱۰	توسعه سازمانی
۰,۰۰۶	۰/۱۴۷	آموزش
۰,۰۰۰	۰/۶۴۹**	شبکه‌سازی سازمانی

#### ۸-۵- تأثیر استراتژی‌های ظرفیت‌سازی و ظرفیت اجتماعی بر مشارکت

شهروندان با استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره: برای بررسی دقیق میزان و شدت تأثیر مؤلفه‌های سه‌گانه استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی و مؤلفه‌های هشت‌گانه ظرفیت اجتماعی بر تقویت مشارکت شهروندان در بازآفرینی محله فهادان از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شده است. در این مدل، «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» و «ظرفیت اجتماعی» بعنوان متغیر مستقل و «تمایل به مشارکت

شهروندان» ساکن محله به عنوان متغیر وابسته وارد مدل رگرسیون شد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون که در جدول شماره ۹ آورده شده است:

«سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ درصد است. یعنی، مدل قابلیت پیش‌بینی مشارکت شهروندان را با استفاده از مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی و استراتژی‌های ظرفیت‌سازی دارد. در این جدول: ستون R نشان‌دهنده اهمیت و نقش متغیر مستقل، و ستون R Square میزان قابلیت پیش‌بینی متغیر وابسته توسط متغیر مستقل را بر حسب درصد نشان می‌دهد که در مورد متغیرهای این پژوهش، اهمیت متغیرهای «استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی» و «ظرفیت اجتماعی» (اعداد ستون R) هر دو بالا و نزدیک به ۷۰٪ بوده و قابلیت پیش‌بینی متغیر وابسته نیز مناسب و نزدیک به ۵۰٪ است (اعداد ستون R Square). بعبارت دیگر، نزدیک به نیمی از تغییرات مشارکت شهروندان در محله فهادان، توسط ظرفیت اجتماعی و استراتژی‌های ظرفیت‌سازی این مجتمع زیستی تعیین می‌شود. به علاوه، سطح معناداری متغیر ظرفیت اجتماعی کمتر از ۰,۰۵ درصد است؛ در نتیجه، این متغیر با ضریب بتای ۰/۷۹۰ وارد مدل می‌شود. اما، از سوی دیگر سطح معناداری متغیر استراتژی‌های ظرفیت‌سازی (ردیف دوم) با ضریب منفی از مدل خارج می‌شود.

جدول ۹- نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره در بررسی تأثیر ظرفیت اجتماعی و استراتژی‌های ظرفیت‌سازی بر مشارکت در بازآفرینی محله فهادان

متغیرها	B	Beta	t	Sig.	R	R Square
۱ ظرفیت اجتماعی	۱/۰۷۴	۰/۶۸۵	۱۷/۴۰۵	۰,۰۰۰	۰/۶۸۵	۰/۴۶۹
۲ ظرفیت اجتماعی	۱/۲۳۹	۰/۷۹۰	۱۵/۱۱۵	۰,۰۰۰	۰/۶۹۵	۰/۴۸۳
استراتژی‌های ظرفیت‌سازی	-۰/۱۶۳	-۰/۱۵۷	-۳/۰۱۱	۰,۰۰۳		

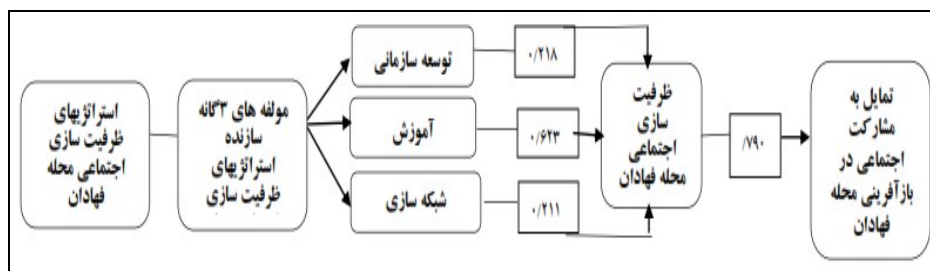
با ادامه تحلیل رگرسیونی و انجام تحلیل مسیر، متغیر ظرفیت اجتماعی با بیشترین تأثیر به عنوان متغیر وابسته و متغیر استراتژی ظرفیت‌سازی با سه مؤلفه آموزش، شبکه‌سازی و توسعه سازمانی به عنوان متغیر مستقل وارد مدل شدند. نتایج تحلیل رگرسیون در جدول شماره ۱۰ بیانگر این است که: مدل رگرسیون قابلیت پیش‌بینی ظرفیت اجتماعی محله توسط سه مؤلفه آموزش، شبکه‌سازی سازمانی و توسعه سازمانی را دارد. مؤلفه "شبکه‌سازی سازمانی" با سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ درصد و مقایسه ضریب ( $Beta = ۰/۶۴۹$ ) بیشترین تأثیر را بر ظرفیت‌سازی اجتماعی در این محله دارد و شاخص‌های آموزش با سطح معناداری ۰,۰۰۰ درصد و ضریب  $Beta = ۰/۲۱۸$  و شاخص توسعه سازمانی با ضریب ۰/۲۱۱ به ترتیب در جایگاه بعدی قرار دارند.

جدول ۱۰- نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره در بررسی تأثیر مؤلفه‌های استراتژی‌های ظرفیت‌سازی بر ظرفیت اجتماعی محله فهادان

متغیرها	B	Beta	t	Sig.	R	R Square
۱ شبکه‌سازی سازمانی	۰/۲۷۷	۰/۶۴۹	۱۵/۷۸۴	۰,۰۰۰	۰/۶۴۹	۰/۴۲۱
۲ شبکه‌سازی سازمانی آموزش	۰/۲۹۳	۰/۶۸۷	۱۷/۴۴۷	۰,۰۰۰	۰/۶۹۴	۰/۴۸۲
	۰/۰۸۵	۰/۲۵۱	۶/۳۷۶	۰,۰۰۰		
۳ شبکه‌سازی سازمانی آموزش توسعه سازمانی	۰/۲۶۶	۰/۶۲۳**	۱۵/۶۶۷	۰,۰۰۰	۰/۷۲۳	۰/۵۲۲
	۰/۰۷۳	۰/۲۱۸*	۵/۶۶۶	۰,۰۰۰		
	۰/۱۰۳	۰/۲۱۱	۵/۳۳۵	۰,۰۰۰		

به این ترتیب، بر مبنای تحلیل جداول رگرسیونی ۹ و ۱۰، مدل رگرسیونی چند متغیره شامل رابطه ظرفیت اجتماعی این مجتمع زیستی (محله فهادان) با استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی در فرآیند بازآفرینی این محله با استفاده از ضرایب رگرسیونی

استاندارد شده (ضریب Beta) مدل رگرسیونی روابط میان این متغیرها بصورت شکل شماره ۳ تدوین شد.



شکل ۳- مدل رگرسیونی چند متغیره بین استراتژی‌های ظرفیت‌سازی و ظرفیت اجتماعی در محله فهادان در فرآیند بازآفرینی

بر اساس مدل رگرسیونی بالا می‌توان گفت: استراتژی‌های ظرفیت‌سازی قادرند ظرفیت اجتماعی محله فهادان را ارتقا دهند و ظرفیت اجتماعی محله نیز می‌تواند ارتقای مشارکت شهروندان در بازآفرینی محله را تضمین کند. در این رابطه نقش شبکه‌سازی سازمانی از آموزش و توسعه سازمانی برجسته‌تر است.

### نتیجه‌گیری

ظرفیت‌سازی اجتماعی در محلات شهری، رویکردی قانونی، مدیریتی، نهادی و اجتماعی است که از طریق ارتقاء سطح دانش، آگاهی، مهارت‌ها، اطلاعات، توسعه سازمانی، شبکه‌سازی و ... کیفیت محیط زندگی ساکنان و توانمندی ساکنان برای بهبود زندگی خود را ارتقاء می‌دهد. سیاستگذاری مناسب برای حضور مردم و مشارکت آنها در بازآفرینی محلات و مجتمع‌های زیستی مستلزم شناخت روابط میان عوامل تاثیرگذار در این زمینه است. در این تحقیق به سه سؤال پاسخ داده شد: ۱- وضعیت ظرفیت اجتماعی، استراتژی‌های ظرفیت‌سازی و کنش شهروندان برای مشارکت اجتماعی در

محله فهادان مورد بررسی قرار گرفت. ۲- رابطه میان ظرفیت اجتماعی و تمایل برای مشارکت اجتماعی در این محله مورد بررسی قرار گرفت. بنا بر نتایج پژوهش در پاسخ به دو سؤال اول:

- وضعیت ظرفیت اجتماعی موجود در محله فهادان در حال حاضر نامطلوب است. در این رابطه تنها وضعیت دو مؤلفه مشارکت‌پذیری و تعهد اجتماعی از میان مؤلفه‌های هشت‌گانه ظرفیت اجتماعی مطلوب ارزیابی گردید. البته وضعیت مناسب مؤلفه مشارکت‌پذیری را می‌توان به بافت سنتی و مذهبی محله فهادان در انواع مختلف مشارکت همیارانه، خیریه‌ای و بویژه مذهبی نسبت داد که از گذشته دور تاکنون در این خصوص بصورت برجسته عمل کرده است. این بخش از نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های آریانا (۱۳۹۱)، حاتمی‌نژاد (۱۳۹۳) و نوابخش (۱۳۹۵) مبنی بر ارتباط مثبت بین مشارکت‌پذیری شهروندان در نوسازی و بهسازی شهری همسو است. وضعیت مناسب مؤلفه تعهد اجتماعی را می‌توان این گونه تعبیر کرد که مردم محل، خود را ذینفع در منافع مشترک می‌بینند و اعتقاد به همکاری مشترک با مسئولین در رابطه با مسائل شهر دارند و در صورت تفویض اختیار به آنها حاضر به قبول مسئولیت و مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه هستند که با یافته‌های آریانا (۱۳۹۱) و نظریه‌های چپ‌من (۲۰۰۱) و شاسکین (۲۰۰۱) همسو می‌باشد.

- شرایط متغیر «مشارکت اجتماعی شهروندان» در بازآفرینی محله نیز نسبتاً نامطلوب است. سطح تمایل به مشارکت مردم به ترتیب شامل مشارکت فکری، مالی، اجرایی و سپس مشارکت نیروی انسانی است. بواسطه تأیید رابطه همبستگی مثبت میان ظرفیت اجتماعی و کنش اجتماعی مردم، انتظار می‌رود با افزایش ظرفیت اجتماعی، مشارکت شهروندان در بازآفرینی هم افزایش یابد. هرچند، نقش همگی مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی هم اندازه و همسان نیست. مؤلفه‌های تعهد، دانش و مهارت و مشارکت‌پذیری بیشترین میزان را داراست و در مقابل رابطه همبستگی مؤلفه حس تعلق با تمایل به مشارکت معکوس است. نتیجه پژوهش در این قسمت با نتایج حیدری

ساریان (۱۳۹۳)، پورکتابی (۱۳۹۵) و نوابخش (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. از طرفی، وضعیت دانش و مهارت شهروندان در محله فهادان کمتر از حد متوسط و نامطلوب است؛ درحالی که گودمن (۱۹۹۸) معتقد است مشارکت‌کنندگان باید از مهارت کافی برای رفع مسائل محلی برخوردار باشند.

- وضعیت مؤلفه آموزش نامطلوب و کمتر از حد متوسط ارزیابی شد. هرچند، رابطه آموزش و کنش مشارکتی مردم مثبت تشخیص داده شد. حناچی (۱۳۹۱) نیز معتقد است در ایران نقص آموزش و فقدان آموزش آحاد مردم از معضلات موجود در حوزه استراتژی‌های ظرفیت‌سازی است.

یافته‌های تحقیق نشان داد که بین ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی و مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که شهروندان با مشارکت بالاتر، شهروندانی هستند که از دانش و مهارت، اعتماد نهادی، انسجام اجتماعی، دسترسی به اطلاعات، دسترسی به منابع و مشارکت اجتماعی بالاتری برخوردارند. از این رو می‌توان به نقش کلیدی ظرفیت‌سازی در مشارکت شهروندان پی برد.

- اعتماد اجتماعی نیز در دو بُعد اعتماد عمومی و اعتماد نهادی مورد سنجش قرار گرفت و مشخص شد که مؤلفه اعتماد عمومی در محله فهادان نسبتاً مطلوب و در حد متوسط است و نسبت به اعتماد نهادی جایگاه بهتری دارد. در صورتی که ترکاشوند (۱۳۹۵) اعتماد عمومی در محله فهادان را نامطلوب و کمتر از حد متوسط گزارش کرده است. به علاوه، نتایج حاصل از آزمون همبستگی، عدم وجود رابطه مثبت بین اعتماد عمومی و مشارکت در بازافرینی شهری را نشان داد. در واقع، این بُعد نهادی اعتماد است که رابطه مثبت و معناداری با مشارکت شهروندان محله فهادان دارد.

- اعتماد نهادی در این اجتماع محلی کمتر از حد متوسط است. شرکت‌کنندگان در حد کم، مسئولین سازمان‌های فعال در زمینه نوسازی و بهسازی محله را می‌شناسند و اعتماد کمی به آنها دارند و معتقدند زمینه‌های ارتقاء مشارکت مانند: جلب اعتماد، تسهیل راه‌ها و کانال‌های مشارکت مردمی در سازمان‌های محلی‌شان در حد کمی موجود



است. بعلاوه، همبستگی میان اعتماد نهادی و تمایل به مشارکت شهروندان مثبت ارزیابی شد، به این معنی که با افزایش اعتماد مردم به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و مردمی مشارکت آنها در امور مربوط به بازآفرینی محله افزایش پیدا می‌کند. برنامه‌های مبتنی بر مشارکت اجتماعی نیازمند اعتماد دوجانبه بین مردم و مسئولین است که این خود نیازمند برگزاری جلسات مکرر بین طرفین می‌باشد. نتایج تحقیق در بُعد اعتماد نهادی همسو با نتایج تحقیق اندیشه آریانا (۱۳۹۱)، فروزان (۱۳۹۲) و مرینو (۲۰۱۲) است.

- مؤلفه انسجام اجتماعی در محله فهادان کمتر از حد متوسط و نامطلوب است، اما تأثیر مثبت و مستقیم بر مشارکت شهروندان دارد. فهادان، محله‌ای سنتی است و انگاره‌های جامعه مدرن کمتر در آن مشاهده می‌شود، پس، انتظار می‌رود که مردم در اینجا از انسجام و همبستگی بالایی برخوردار باشند. انسجام اجتماعی پایین، شاید ناشی از نرخ بالای ورود مهاجران به بافت و کاهش یکدستی محله از لحاظ فرهنگی باشد، هر چند تأیید این فرض مستلزم پژوهش در این زمینه است. رابطه مثبت انسجام اجتماعی با مشارکت در نوسازی بافت‌های فرسوده را حاتمی نژاد (۱۳۹۳) نیز تأیید کرده است.

- در محله فهادان، وضعیت حس تعلق جامعه نامطلوب و کمتر از حد متوسط است و این مؤلفه همبستگی مثبت و مستقیم با کنش مشارکتی مردم ندارد. از نظر عارف و همکاران (۲۰۰۹) حس تعلق به جامعه، حسی است که تعامل با دیگر اعضای جامعه را فراهم می‌آورد و از نظر جورج (۱۹۸۶) این حس ارتباط بین اعضای جامعه و شناختی از شرایط متقابل را نشان می‌دهد و شامل ارزش‌های حفظ شده محلی، هنجارها و دیدگاه‌های مشترک می‌شود. با دقت در گویه‌های این مؤلفه (جدول ۱)، حصول این نتیجه را می‌توان به وجود افراد غیربومی در محله و عدم وجود دیدگاه‌های مشترک بین بومیان و غیربومیان، عدم برگزاری جلسات مشترک بین مردم و کارشناسان مسئول در رابطه با مسائل مرتبط با توسعه محله، تأخیر در برنامه‌های توسعه محلی و به

تبع آن ناامیدی نسبت به بهبود محله و عدم ایجاد علاقه‌مندی بیشتر مردم محلی به سکونت در این بخش نسبت داد. عدم تأیید رابطه همبستگی مثبت میان حس تعلق و کنش مشارکتی مردم در این محله با نتایج تحقیق نوابخش (۱۳۹۵) و حاتمی نژاد (۱۳۹۳) و آریانا (۱۳۹۱) همسو نمی‌باشد.

- وضعیت هر سه مؤلفه استراتژی‌های ظرفیت‌سازی (آموزش، شبکه‌سازی سازمانی و توسعه سازمانی) در شرایط بسیار نامطلوب قرار دارد. گودمن و همکاران (۱۹۹۸) معتقدند: در ارزیابی وضعیت شبکه‌های اجتماعی می‌توان ویژگی‌های ساختاری آن‌ها (اندازه و تعداد پیوندها)، روابط بین اعضای شبکه و همچنین در دسترس بودن سازمان‌های محلی (باشگاه‌های اجتماعی، مساجد و گروه‌ها و...) را به عنوان محلی برای شکل‌گیری روابط بین فردی و سازمانی در نظر گرفت. با توجه به مطالب یادشده و داده‌های پرسشنامه، دلایل وضعیت نامطلوب شبکه‌سازی در این محله را می‌توان ناشی از نبود سازمان‌های مردم‌نهاد در محله و عدم مهارت و توانایی آنها در تشکیل گروه‌های محلی دانست.

- مؤلفه شبکه‌سازی سازمانی و توسعه سازمانی دارای همبستگی قوی با ظرفیت اجتماعی است. به این معنی که هر چه ارتباط شهروندان با سازمان‌ها و سازمان‌ها با یکدیگر بیشتر شود، ظرفیت اجتماعی ارتقاء خواهد یافت.

۳- تأثیر استراتژی‌های ظرفیت‌سازی و ظرفیت اجتماعی بر مشارکت شهروندان با استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره مورد بررسی قرار گرفت و بنا بر نتایج حاصل از کاربرد این مدل:

- مدل رگرسیونی چند متغیره در خصوص رابطه بین استراتژی‌های ظرفیت‌سازی و ظرفیت اجتماعی در محله فهادان با تمایل مردم برای مشارکت در فرآیند بازآفرینی، بعنوان یکی از نتایج اصلی این پژوهش تدوین و معرفی شد. (شکل شماره ۳)

- تمایل به مشارکت شهروندان در بازآفرینی در مجموع از همبستگی مطلوبی با متغیرهای ظرفیت اجتماعی و استراتژی‌های ظرفیت‌سازی اجتماعی در این محله

برخوردار است. همچنین، نقش مؤلفه شبکه‌سازی سازمانی در ارتقای ظرفیت اجتماعی محله فهادان بسیار برجسته است. بنابراین، تقویت فرآیندهای ظرفیت‌سازی می‌تواند تقویت مشارکت شهروندان در بازآفرینی این محله را به همراه داشته باشد.

- دومین شاخص تأثیرگذار بر ارتقاء ظرفیت‌های اجتماعات محلی، توسعه سازمانی است. سازمان‌های محلی را می‌توان از مهمترین اجزای عوامل تواناسازی مردم به شمار آورد. با وجود اهمیت فراوان سازمان‌های مردم‌نهاد، وضعیت این شاخص در رابطه با مشارکت شهروندان در محله فهادان نامطلوب و کمتر از حد متوسط است به گونه‌ای که هیچ سازمان مردم‌نهادی به صورت رسمی در محله وجود ندارد و سازمان‌های مدیریتی، فضا و امکانات مناسب برای گفتگو و مشارکت با مردم را فراهم نیاورده‌اند.

## منابع

- آریانا، اندیشه. (۱۳۹۱)، به کارگیری رهیافت مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی به منظور تقویت مشارکت شهروندان در بازآفرینی شهری از دیدگاه مدیریت شهری، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد** مدیریت شهری، دانشگاه تهران.
- آریانا، اندیشه؛ محمدی، محمود و کاظمیان، غلامرضا. (۱۳۹۷)، «مدل مدیریت تعارض ذینفعان بازآفرینی شهری بر پایه حکمراوی همکارانه»، **نامه معماری و شهرسازی**، شماره ۲۱: ۱۴۳-۱۲۳.
- بذرگر، محمدرضا؛ رحیمی، محمد و سلطانی، علی. (۱۳۹۶)، «ظرفیت سنجی مدیریت شهری در فرایند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی؛ نمونه موردی: پنج شهر ایران»، **مجله انجمن جغرافیایی ایران**، شماره ۵۳: ۲۳۳-۲۵۰.
- ترکشوند، هادی. (۱۳۹۵)، برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای با تأکید بر رویکرد دارایی مبنا نمونه موردی: محله فهادان، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد** برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه یزد.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ پوراحمد، احمد و عیوضلو، داود. (۱۳۹۳)، «واکاوی ظرفیت سرمایه اجتماعی محلات شهری در ساماندهی بافت‌های فرسوده، مطالعه موردی منطقه ۹ شهرداری تهران»، **مجله آمایش جغرافیایی فضا**، دوره ۴، شماره ۱۳: ۹۴-۶۷.
- حکیم، مدیا. (۱۳۹۳)، «بررسی نقش ظرفیت‌سازی در بازآفرینی شهری پایدار: نمونه موردی: خانه کتابدار محله منیریه تهران»، **نشریه هفت شهر**، شماره ۴۸: ۱۳۰-۱۲۲.
- حناچی، پیروز. (۱۳۹۱)، «مرمت شهری در بافت‌های تاریخی ایران»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حیدری ساربان، وکیل و مجنون، علی. (۱۳۹۵)، «بررسی نقش ظرفیت‌سازی اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان در فعالیت‌های عمرانی»، **مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه گلستان**.
- رفیعیان، مجتبی؛ خدائی، زهرا و داداش‌پور، هاشم. (۱۳۹۳)، «ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی به مثابه رویکردی در توانمندسازی نهادهای اجتماعی»، **فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی**، دوره اول، شماره ۲: ۱۶۰-۱۳۳.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۸۸)، **نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه پایدار**، تهران: انتشارات مازیار.

## ۱۷۹ بررسی وضعیت ظرفیت‌سازی اجتماعی در محلات شهری ...

- طاهری، شیما و شبیانی، امیرحسین. (۱۳۹۵)، «تبیین مدل مفهومی تجدید حیات فضاهاى شهری در بازآفرینی شهری»، *اولین کنفرانس ملی معماری اسلامی، میراث شهری و توسعه پایدار*.
- فروزان، آمنه. (۱۳۹۲)، «عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی در ارتقای سلامت»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال سیزدهم، شماره ۴۸: ۷۲-۴۷.
- محمدی، علیرضا. (۱۳۸۸)، «ظرفیت‌سازی اجتماع محور: پشتوانه ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی»، *هفت شهر*، دوره ۲، شماره ۲۹: ۹۸-۱۱۳.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، قابل دسترس از طریق سایت: [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- مشکینی، ابوالفضل؛ موحد، علی و احمدی فرد، نرگس. (۱۳۹۵)، «بررسی سیاست بازآفرینی در بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از ماتریس SWOT و QSPM (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران)»، *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه ریزی شهری*، دوره ۴، شماره ۴: ۵۴۹-۵۶۸.
- معززی مهرطهران، امیر محمد و امینی لاری، سارا. (۱۳۹۸)، «نقش‌داری‌های محلی در حل معضلات بافت‌های نابسامان شهری»، دوره ۳، شماره ۳۱ و ۳۲: ۸۶-۷۳.
- نژادابراهیمی، احد و نژاداغی، نسترن. (۱۳۹۷)، «تدوین چارچوب مفهومی بازآفرینی شهری اجتماع‌محور مبتنی بر آموزش در بافت‌های تاریخی»، *دانش شهرسازی*، دوره ۲، شماره ۳۴: ۳-۲۱.
- نوابخش، مهرداد؛ کریمی، رضا و محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۵)؛ «تبیین جامعه‌شناختی مشارکت جوانان، علل، صور و چالش‌ها (مورد مطالعه: شهر تهران)»، *مجله رفاه اجتماعی*، شماره ۳۳: ۳۴-۹.

- Chan, Yuk-chung, Gladys LT Lam, and Howard CH Cheng. (2009). "Community capacity building as a strategy of family violence prevention in a problem-stricken community: A theoretical formulation." *Journal of Family Violence*, 24(8), 559-568
- Chapman, Michael, and Karryn Kirk. (2001). *Lessons for community capacity building: a summary of research evidence*: Scottish Homes Edinburgh.
- Chaskin, Robert J. (2001). "Building community capacity: A definitional framework and case studies from a comprehensive community initiative." *Urban affairs review*, 36(3), 291-323.

- Craig, Gary. (2007). "Community capacity-building: Something old, something new...?". *Critical Social Policy*, 27(3), 335-359.
- DCMS. (2004), *Culture at the Heart of Regeneration. London: Department of Culture, Media and Sport/ Stationery Office.*
- Farahani, Hossein, Abdali Barand, Kobra, and Pourbafrani, Haniye. (2019). the Analysis of Obstacles to the Capacity Development of Gardening Exploitation in Rural Areas (Case Study: Padena Olya Dehestan of Semirom County), *Journal of Research and Rural Planning*. 8(24), 127-139.
- Harper, Lesley M, and Rumona Dickson. (2019). "Using developmental evaluation principles to build capacity for knowledge mobilisation in health and social care." *Evaluation*, 25(3), 330-348.
- ICHHTO. (2016). Nomination of Historic City of Yazd for Inscription on the World Heritage List. <https://whc.unesco.org/en/list/1544/documents/>.
- Duffy, Jennifer L., Mary Severson Prince, Erin E. Johnson, Forrest L. Alton, Shannon Flynn, Amy Mattison Faye, Polly Edwards Padgett, Chris Rollison, Dana Becker, and Angela L. Hinzey. (2012). "Enhancing teen pregnancy prevention in local communities: capacity building using the interactive systems framework". *American journal of community psychology*, 50(3-4), 370-385.
- Merino, Susana Sastre, and Ignacio de los Ríos Carmenado. (2012). "Capacity building in development projects". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 46, 960-967.
- Mohamad, Nor Haniza, Prasanna Kesavan, Abdul Rasid Abdul Razzaq, Amran Hamzah, and Zainab Khalifah. (2013). "Capacity building: Enabling learning in rural community through partnership". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 93, 1845-1849.
- Moreno, Juan M., Lori M. Noguchi, and Marie K. Harder. (2017). "Understanding the process of community capacity-building: A case study of two programs in Yunnan Province, China". *World Development*, 97, 122-137.
- Parks, Michael J. (2015). "Who Is Our Neighbor? Toward a Multilevel and Cross-National Roadmap for Building Community Capacity". *Journal of Community Practice*, 23(2), 182-202.
- Purdue, Derrick, Konica Razzaque, Robin Hambleton, Murray Stewart, Chris Huxham, and Siv Vangen. (2000). *Community leadership in area regeneration*. Bristol: Policy Press.
- Roberts, Peter. (2000). "The evolution, definition and purpose of urban regeneration". *Urban regeneration*, 9-36.

Roberts, Peter, and Hugh Sykes. (1999). eds. urban regeneration: a handbook. Sage.

- Spiegel, Jerry, Mariano Bonet, Maricel Garcia, Ana Maria Ibarra, Robert B. Tate, and Annalee Yassi. (2004). "Building capacity in central Havana to sustainably manage environmental health risk in an urban ecosystem". *Eco Health*, 1(2), SU120-SU130.
- Verity, F. (2007). Community capacity Building-A review of the literature. Workforce planning, 1.